



خط کشِ جادویی



سارا دختری کنجکاو و باهوش بود که عاشق اعداد و اندازه گیری بود. هر چیزی که می‌دید، را اندازه می‌گرفت. به اتاقش رفت. با خط‌کشی که داشت، تختش را ۲۰۰ سانتی متر اندازه گرفت. سپس به سراغ کتابخانه‌اش رفت. کتاب‌هایش را با دقت تمام بررسی کرد. کتاب شاهنامه ۵۴ سانتی متر داشت و کتاب قصه‌هایش ۲۱ سانتی متر. شب، وقتی به رختخواب رفت، به همه اندازه‌هایی که گرفته بود فکر می‌کرد. به این نتیجه رسید که اندازه گیری نه تنها یک کار علمی، بلکه یک ماجراجویی هیجان‌انگیز هم هست. یک روز، سارا و دوستانش تصمیم گرفتند یک مسابقه‌ی اندازه گیری برگزار کنند. هر کدام از آن‌ها باید یک وسیله را انتخاب می‌کردند و آن را با دقت تمام اندازه می‌گرفتند. کسی که دقیق‌ترین اندازه‌گیری را انجام می‌داد برنده می‌شد. سارا یک برگ درخت را انتخاب کرد. او با استفاده از یک خط‌کش خیلی ریز، برگ را اندازه گرفت. دوستانش هم وسایل مختلفی را انتخاب کردند. یکی از آن‌ها یک سنگ کوچک و دیگری یک قطعه‌ی چوب را انتخاب کرد. بعد از چند ساعت، همه اندازه‌گیری‌های خود را انجام دادند و نتایج را با هم





مقایسه کردند، سارا با دقت بیشتری اندازه گیری کرده بود و برنده‌ی مسابقه شد.

چند روز بعد، سارا سکه‌ی پنج تومانی جدیدی را پیدا کرد. با ذوق خطکش را برداشت و شروع به اندازه گیری سکه کرد. با دقت تمام، خطکش را روی سکه قرار داد و گفت: سکه‌ی من ۲ سانتی‌متر است! به محض اینکه این جمله را گفت، احساس کرد که کوچک و کوچک‌تر می‌شود. خطکشش هم همراه او کوچک شد! با ترس به اطراف نگاه کرد. همه چیز خیلی بزرگ شده بود. یک پری کوچک روی میز افتاد و شروع به حرف زدن کرد: تو به طلسم اندازه‌ها گرفتار شدی!

پری ادامه داد: این طلسم به این صورت عمل می‌کند که هر چیزی را که اندازه می‌گیری، به همان اندازه، کوچک یا بزرگ می‌شوی. چون تو سکه را ۲۷ میلی‌متر اندازه گرفتی، حالا خودت هم ۲۷ میلی‌متر شده‌ای. برای اینکه از این طلسم رها شوی، باید وسایل را خیلی دقیق اندازه بگیری و اندازه‌هایشان را با صدای بلند بگویی. قبلاً با سانتی‌متر اندازه می‌گرفتی، اما حالا که خودت خیلی کوچک شده‌ای، باید با میلی‌متر اندازه بگیری و اندازه‌ها را به سانتی‌متر تبدیل کنی. سارا با تعجب به پری نگاه کرد. او نمی‌دانست میلی‌متر چیست، اما تصمیم گرفت حرف پری را گوش کند. به دنبال چیزی کوچک گشت و یک دانه‌ی برنج پیدا کرد. با خطکش کوچک خود، دانه‌ی برنج را اندازه گرفت و گفت: این دانه‌ی برنج ۹ میلی‌متر است. بعد از آن، سارا چیزهای کوچک دیگری را اندازه گرفت؛ یک سوزن ۳۴ میلی‌متر، یک برگ کاغذ ۹۶ میلی‌متر، یک مداد، یک کتاب، یک کیف. هر بار که اندازه می‌گرفت و عدد را با صدای بلند می‌گفت، احساس می‌کرد کمی بزرگ‌تر می‌شود. به محض

اینکه این جمله را گفت، احساس کرد که به اندازه قبل شده است. به اطراف نگاه کرد، همه چیز به حالت عادی برگشته بود. پری با لبخند گفت: آفرین سارا! تو طلسم را شکست دادی. سارا هیجان زده از خواب بیدار شد و کمی آب نوشید. خوش حال بود که همه‌ی این‌ها خواب بوده است.

از آن روز به بعد، سارا به اندازه گیری علاقه‌ی بیشتری پیدا کرد. او می‌دانست که با دانستن اندازه‌ها، می‌تواند چیزهای زیادی را کشف کند.





داستان را خواندی، حالا به سوال ها پاسخ بده.

۱) اولین چیزی که سارا اندازه گرفت چه بود؟

۲) سارا در کتابخانه چه کتاب هایی را اندازه گرفت؟

۳) مسابقه‌ی اندازه گیری بین سارا و دوستانش چگونه برگزار شد؟

۴) چه اتفاقی برای سارا افتاد، وقتی سکه را اندازه گرفت؟

۵) پری برای رهایی سارا از طلسم چه راه حلی پیشنهاد کرد؟

۶) می توانی به سارا کمک کنی و بگویی ۵ سانتی متر چند میلی متر است؟

۷) اگر سارا ۷ میلی متر را با ۱۳ میلی متر جمع کند، حاصل آن ها چند سانتی متر می شود؟

۸) جاهای خالی را کامل کن.

۳۴ میلی متر یعنی سانتی متر و میلی متر

۹۶ میلی متر یعنی سانتی متر و میلی متر

۲۷ میلی متر یعنی سانتی متر و میلی متر

